

سر و آزار چشم و درد شکم و جمیع دردهای دیگر مفید است  
و خدا مرا بآن شفا میدهد .

— و فرمود که هر که سیب به ناسا بخورد آب مسی او  
پاکیزه شود .

— و فرمود : جها رجیز است که هر طبیعتی را به اعتدال  
مبأورد : انار سورنی و حرمای نارس پخته و بنفشه و کاسنی .  
— و فرمود که : در ساهدانده تفای همه دردها هست  
بغیر از مرگ .

— و فرمود که یکی از پبغمبران به خدا شکایت  
کرد که امت او بسیار جبون است . وحی بر او نازل شد  
که امر کن امت خود را که اسفند بخورند .

— و نیز فرمود که پیغمبری شکایت کرد به خدا  
از کمی فرزندان ، و وحی به او رسید که تخم باغوشست  
بخور .

— و نیز فرمود که : بنی اسرائیل در اول و آخر  
طعام سرکه میخوردند ، و ما اهل بیت نبوت در اول طعام  
نمک میخوریم .

— و در حدیث است که مفضل به خدمت آن حضرت  
شکایت کرد از تنگی نفس ، و گفت اندک راهی که میروم  
نفسم تنگ میگردد و مننشینم . فرمود : بول شتر بخور  
تا ساکن شود .

— و فرمود که : پنج میوه است که از بهشت آمده  
است : انار طیبی و سیب شامی و به و انگور رازقی و رطب  
مشان .

— و فرمود که میوه صدو بیست قسم است ، و بهتر  
از همه انار است .

— و فرمود که در عالم بیست و یکنوع گسل وجود  
دارد ( ! ) و سید آنها گل مورد است .

— و به سند صحیح منقول است که حضرت ( ع ) آش

باقلا را که مویز در آن میکرده اند بسیار دوست  
میداشته اند .

— و از آن حضرت منقول است که سویق یعنی آرد  
بوداده به وحی الهی ساخته شده است و هفتاد درد را دوا  
است .

— و فرمود که هرکسی که چهل روز گوشت نخورد کج  
خلق میشود ، و باید که در گوشش اذان بگویند .

— و فرمود که : روغن بنفشه سید روغنها است ،  
و فضیلت روغن بنفشه بر سایر روغنها مثل فضیلت ما اهل  
بیت است بر سایر مردم . و نیز فرمود که : ای عقبه ،  
روغن بنفشه در زمستان گرم است و در تابستان خنک است ،  
و برای شیعیان مانرم است و برای دشمنان ما خشک است .

( حلیة المتقین ، باب سوم ، فصول

هفتم و هشتم — باب ششم ، فصول

هفتم و یازدهم — باب نهم ،

فصول ششم و نهم و دهم و یازدهم )

— حضرت رسول اکرم ( ص ) فرمود : برشعاب باد  
خوردن کرفس که خوراک حضرت الیاس و یوشع و یونس  
نون علیه السلام است .

— و نیز فرمود که ما گروه قریش گوشت را دوست  
میداریم .

— حضرت امام حسین ( ع ) فرمود که اگر مردم  
بدانند که چه منافع در هلیله زرد است هرآینه سه  
وزن آن از طلا بخرند .

— حضرت امام محمد باقر ( ع ) فرمود که کلید  
طب عرب حجامت و حقنه است ، و پس قی کردن و دوا در بینی  
کردن ، و آخر الدواء داغ کردن است .

— و فرمود که شیر یک گوسفند سیاه بهتر است از شیر ده گوسفند سرخ ، و شیر یک گاو سرخ بهتر است از شیر ده گاو سیاه .

— و فرمود که از آب تلخ و آب گوگرد احسن است که حضرت نوح علیه السلام در وقت طوفان آنها را طلبید ، پس همه اجابت او را کردند بغیر از آب تلخ و آب گوگرد ، پس نفرین کرد هردو را !

— و نقل فرمود که چون مرض پیری در میان بنی اسرائیل بسیار شد ، حق تعالی وحی فرمود به حضرت موسی علیه السلام که به ایشان بگو گوشت گاو با چغندر بخورند .

— حضرت امام موسی کاظم ( ع ) فرمود که هر کس در روز جمعه یک انار ناشتا بخورد تا چهل روز وسوسه شیطان از دلش دور شود ، و اگر دو تا بخورد تا هشتاد روز ، و اگر سه تا بخورد تا صد و بیست روز .

— و نیز فرمود که اگر کسی هزار درهم داشته باشد و بغیر از آن چیزی نداشته باشد همه را شکر بخورد ، که در آن عجایبهاست .

— و فرمود که هیچکس نیست که رگ خوره در بدن او نباشد ، و چاره آن خوردن شلغم است .

— و فرمود که : بول شتر نافعتر است از شیر او .  
— شخصی به آن حضرت عرض کرد که ماده طاعون در بدن من ظاهر شده است ، فرمود که سیب بخور ، آن شخص خورد و عافیت یافت .

— حضرت امام رضا ( ع ) فرمود که : بادروج از ما اهل بیت است ، و تره تیزک از بنی امیه است .

— و فرمود که خوردن انجیر تر و خشک بواسیر را قطع میکند .

— و شخصی به آن حضرت ( ع ) شکایت کرد از بواسیر . فرمود که سوره یا بن را با عسل بنویس و بشوی و بخور .

— و نیز شخصی بخدمت آن حضرت شکایت کرد از کمی  
فرزند . فرمود که اول استغفار بکن و بعد تخم مرغ با  
گوشت بخور .

— و فرمود که فضیلت نان جو بر نان گندم مانند  
فضیلت ما اهل بیت است بر سایر مردم دنیا .

( حلیة المتقین ، باب سوم ، فصول  
هفتم و هشتم و یازدهم — باب  
هشتم ، فصل سوم — باب نهم ،  
فصول پنجم و هشتم و دهم )

— از حضرت امام علی نقی ( ع ) منقول است که  
شخصی به خدمت ایشان آمد و عرض کرد که در همسایگی ما  
شخصی را عقرب گزیده است . فرمود : از حضرت رضا علیه  
السلام به ما رسیده است که کسی را که مار یا عقرب گزیده  
باشد ، سنبل و زعفران و قاقله و عاقرقرحاً و خریق سفید  
و بذراالبنج و فلفل سفید با اندازه مساوی و خرقیون دو  
برابر هر کدام بسیار نرم بکوبند و از حریر بیرون کنند  
و به عسلی که کفش را گرفته باشند خمیر کنند و یک حب  
آنها با آب حلتیث به او بخورانند که در ساعت شفا  
یابد .

— و نیز منقول است که زخمی بر بدن متوکل خلیفه  
بیرون آمده بود که مشرف بر هلاک بود . فتح بن خاقان  
وزیر متوکل کس بنزد حضرت امام علی نقی ( ع ) فرستاد  
و چاره جست . حضرت فرمود که سرگین گوسفند را با گلاب  
مخلوط کنید و بر آن زخم بگذارید . پس چنین کردند و زخم  
گشوده شد .

— و نیز منقول است که شخصی به حضرت امام علی  
نقی ( ع ) شکایت کرد از بیبوست مزاج . فرمود که  
خرمای برنی را ناشتا بخور و آب بر بالایش بخور . چنان

کرد . فرجه شد و رطوبت بر مزاجش غالب شد و باز بیه  
حضور حضرت آمد . ابن یار حضرت فرمود خرما ی برنی را  
ناشتا بخور و آب بر بالایش نچور .

( حلیة المتقین ، باب سوم ، فصل  
هشم - باب نهم ، فصل نازدهم )

— حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمود :  
که بر هر یک برگ و دانه از درخت اسفند ملکی موکل  
است که با آن هست نا بیوسد ، و ریشه اش و شاخه اش غم  
و سحر را بر طرف میکند و درد دانه اش شفای هفتاد درد است .  
پس همه دردهای خود را مداوا کنید به اسفند و کندر .

( عفا شیخ الحنان و باقیات  
صالحات ، باب سوم ، احادیث  
در عوذات دفع شیاطین )

— در روایت معتبر از حضرت امام حنظل سادق  
منقول است که هر کس سه روز بیمار شود و بیماری خود  
را پنهان کند و از آن به کسی خبر ندهد ، خداوند گوشت  
او را به گوشتی بهتر و خونس را به خونی بهتر و پوست او  
را به پوستی بهتر و موی او را به موئی بهتر تبدیل  
فرماید ، و بدل کند به گوشت و خون و پوست و موئی که  
بدان گناه نکرده است .

( وسائل الشیعه ، جلد دوم )

## در فضائل روزها و ماهها

— بدان که شب و روز جمعه را امسار تام است از سایر اشیاء . و از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که شب جمعه و روز جمعه بیست و چهار ساعت است ، و در هر ساعت حضرت عالی شصدهزار کس را ارحمهم آراد کنید ! و نیز در حدیث معتبر از آن حضرت مروی است که گناه که مؤمن دعا میکند برای حاجتی ، حضرت عالی قنای حاجت او را تا آخر میکند تا اینکه روز جمعه برسد و حاجت او را بر آورد .

و نیز از آن حضرت مروی است که چون شب جمعه مآبد ماهیان دریا سر از آب بیرون میآورند و وحشیان صحرا گردن میکشند و حق تعالی را ندا میکنند که پروردگارا ما را عذاب مکن به گناه آدمیان .

و به سند معتبر از حضرت رضا علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که روز جمعه سید روزها است . و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که چون مرغان در روز جمعه یکدیگر برمیخورند سلام میکنند و میگویند امروز چه روز شایسته‌ای است . . . و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر که سه " طسین " را در شب جمعه بخواند خداوند در آخرت صد زن از حوریان بهشت به او تزویج نماید . و نیز فرمود که خداوند هر کس را که در شب جمعه فوت شود از عذاب قبر حفظ فرماید .

— و بسیار نیکو است که در شب جمعه انار تناول کند چنانکه حضرت صادق علیه السلام در هر شب جمعه انار

میل مفرمودند ، و اگر در وقت خوابیدن بخورد ناسند  
ببهر باشد ، چه آنکه روایت شده که هر که در وقت  
خوابیدن انار بخورد ایمن خواهد بود از نفس خود تا  
صبح کند . و سزاوار است که هرگاه انار بخورد دستمالی  
در زیر آن پهن کند که دانه اش را ضبط کند و بعد از آن  
بخورد ، و در انار خود دیگری را شریک نکند .

( مفاتیح الجنان ، باب دوم .

فصل چهارم ، در فضیلت

و اعمال شب و روز جمعه )

— و نیکو است که در روز جمعه سر را سه حطمی  
بشوید که امان میبخشد از پستی و دیوانگی ، و ناخن و  
شارب بگیرد که روزی را زیاد میکند و از گناه پاک  
میکنند تا جمعه دیگر ، و امان میبخشد از دیوانگی و خوره و پستی .

و نیکو است که در ناشتای جمعه انار بخورد ، و  
هفت برگ کاسنی پیش از زوال جمعه بخورد ، و از حضرت  
موسی بن جعفر علیه السلام مروی است که هر که یک انار  
در روز جمعه ناشتا بخورد تا چهل روز دلش را نورانی  
گرداند ، و اگر دو انار بخورد تا هشتاد روز ، و اگر سه  
انار بخورد تا صد و بیست روز و سوسه شیطان را از او دور  
گرداند . و شیخ در مصباح فرموده فضیلت بسیار روایت  
شده در خوردن انار در روز جمعه و در شب آن .

و باید که روز جمعه مشغول به آموختن مسائل  
دین خود شود نه آنکه آنرا صرف کند به سیرو گشت و تفرج  
در باغها و مزارع و مصاحبت با اراذل و بیچارگان و  
مخترگی و خنده های قهقهه و خواندن اشعار و امثال اینها  
که مفاسدش زیاده از آن است که ذکر شود .

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است  
که هرگاه ببینید که روز جمعه مرد پیری تاریخ برای

مردم نقل میکنند سنگریزه بر سرش بزنید .  
و نیز از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت  
است که هر که در روز جمعه ماه رجب چهار رکعت نماز ما  
بین ظهر و عصر بخواند و در هر رکعتی یک مرتبه سوره  
حمد و هفت مرتبه آیه الکرسی و پنج مرتبه قل هو الله  
احد بگوید ، حق تعالی عطا فرماید او را سه هرآیه ای که  
خوانده شهری در بهشت از یا قوت سرخ و بهر حرفی از این  
آیات قصری در بهشت از در سفید ، و تزویج فرماید او را  
حورالعین .

— حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر که بعد از  
نماز صبح و نماز ظهر بگوید " اللهم صل علی محمد وآل  
محمد و عجل فرجهم " ، نمیرد تا امام قائم رادرک  
نماید .

— و شیخ طوسی رحمه الله علیه فرموده که ساعت  
استجابت دعا در روز جمعه وقتی است که فرو رود نصف  
قرص خورشید و نصف دیگرش غروب نکرده باشد ، و حضرت  
فاطمه صلوات الله علیها در آن وقت دعا میکرد .

— سید بن طاووس در جمال الاسبوع گفته که ابن  
بابویه رحمه الله علیه از صقر بن ابی دلف روایت  
کرده که روزی به خدمت حضرت امام علی النقی علیه  
السلام رفتم ، عرض کردم ای سید من ، حدیثی از رسول  
خدا صلی الله علیه وآله روایت شده است که " دشمنی  
نکنید با روزها که آنها با شما دشمنی خواهند کرد " ، و  
من معنی آنها را نمیفهمم . فرمود : مراد از ایسام و  
روزها ما اهل بیت هستیم تا مادامی که بپا است آسمانها  
و زمین . و اما شنبه اسم رسول خدا است ، و یکشنبه اسم  
امیر المؤمنین ، و دوشنبه اسم حسن و حسین علیهما السلام ،  
و سه شنبه اسم علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن



محمد علیهم السلام ، و چهارشنبه اسم موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی علیه السلام ، و من و پنجمین اسم فرزندانم است و جمع میشوند اهل حق . این است معنی پیام ، پس دشمنی مکنید با مادر دنیا که دشمنی شود با شما در آخرت . پس آن حضرت به فیری که در برابر حضرت اطاقش کنده بود اشاره فرمود و گفت اکنون دیگر وداع کن و بیرون رو که ایمن نیستم بر تو ، و میترسم اذیتی بنویسد .

— روایت کرده اسمعیل بن عبدالخالق ، که بودم نزد حضرت صادق علیه السلام ، که در میان آمد ذکر فضیلت روزه ماه شعبان ، و حضرت فرمودند که فضیلت روزه ماه شعبان چنان است که حتی اگر مردی مرتکب خون حرام شود و پس این روزه را بگیرد آمرزیده میشود .

— و نیز از حضرت صادق علیه السلام منقول است که کسیکه یکروز از ماه شعبان را روزه بدارد ، به خدا قسم بهشت نصیب او است !

— و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نقل فرمود قصه آن لشکری را که رسول خدا صلی الله علیه و آله به جهاد کفار فرستاده بود ، و دشمنان شب برایشان شبخون زدند ، و آن شی تاریک و سخت ظلمانی بود ، و مسلمانان در خواب بودند و کسی از ایشان بیدار نبود جز زید بن حارثه و عبدالله بن رواحه و قتاده بن نعمان و قیس بن عاصم منقری که مشغول نماز و قرآن بودند . دشمنان مسلمانان را تیرباران کردند بواسطه تاریکی ، گسسه ناگاه از دهان این چهار نفر نورهایی ساطع شد گسسه لشکرگاه مسلمانان را روشن کرد و سبب قوت و دلیری ایشان شد ، و پس شمشیر کشیده و دشمنان را کشته و زخم‌دار و اسیر

نمودند . و چون مراجعت نمودند و برای حضرت رسول صلی  
 الله علیه وآله نقل کردند فرمود این نورها به جهت  
 اعمال این برادران شماس در غره ماه شعبان .  
 — و بدرستی که خدای عزوجل چون روز اول ماه  
 شعبان میشود امر میکند به درهای بهشت ، پس باز میشود ،  
 و امر میکند درخت طوبی را ، پس نزدیک میکند شاخه های  
 خود را بر این دنیا . . . و چون روز اول شعبان میشود پراکنده  
 میکند ابلیس لشکر خود را در اطراف زمین .  
 — و شیخ حماد بن عبی از ابان بن تغلب روایت  
 کرده که گفت حضرت صادق علیه السلام فرمودند شب نیمه  
 شعبان رسول خدا صلی الله علیه وآله نزد عایشه بود ،  
 همینکه نصف شب شد رسول خدا صلی الله علیه وآله برخاست  
 از رختخواب خود برای عبادت ، پس عایشه چون بیدار  
 داخل شد بر او آنچه فرو میگیرد زنها را یعنی غیرت ، و  
 گمان کرد که آن حضرت رفته پیش بعضی از زنهاى خود .  
 پس برخاست و پیچید بر خود شمله یعنی چادر خود را ، و قسم  
 به خدا که تا شمله او از مو و پود آن از کرکهای شتر  
 بود ، و جستجو میکرد رسول خدا را در حیره های زنهاى  
 دیگرش حیره به حیره ، بناگاه نظرش افتاد بر رسول  
 خدا صلی الله علیه وآله که در سجده بود مثل جامه های  
 که چسبیده شده بر روی زمین . . . پس همینکه خواست  
 رسول خدا صلی الله علیه وآله برگردد ، شتافت عایشه  
 بسوی رختخواب خود . پس رسول خدا آمد به رختخواب او  
 و شنید که نفس بلند میزد ، فرمود چیست این نفس  
 بلند ، آیا ندانستهای که چه شبی است امشب ؟ این  
 شب نیمه شعبان است که در آن قسمت میشود روزیها ، و  
 نوشته میشود اجل ها ، و نوشته میشود اسامی روندگان  
 به حج ، و بدرستی که خدایتعالی در این شب میآمرزد از

خلق خود بیشتر از عدد موهای بُزهای قبیله کلب !  
( همان کتاب ، باب دوم ، فصل  
دوم ، فضیلت و اعمال ماه شعبان )

سب نیکو است که در شب اول ماه رمضان مجامعت با  
حلال خود کند ، و این از خصوصیات این ماه است ، والا  
در ماههای دیگر جماع در شب اول مکروه است .  
— و روایت شده که هر که در شب اول ماه رمضان  
غسل کند خراش بدن به او نرسد تا ماه رمضان آینده .  
— روز عید غدیر ، روزی است که حضرت موسی علیه  
السلام بر ساحران غلبه کرد ، و خداوند آتش را بر ابراهیم  
خلیل علیه السلام سرد و سلامت کرد ، و حضرت موسی علیه  
السلام یوشع بن نون را وصی خود گردانید ، و حضرت عیسی  
علیه السلام شمعون الحفا را وصی خود قرار داد ، و حضرت  
سلیمان علیه السلام رعیت خود را بر استخلاف آصف بن  
برخیا اشهاد کرد ، و جناب رسول خدا صلی الله علیه و  
آله مابین اصحاب خود برادری افکند .

( همان کتاب ، باب دوم ، فصل سوم ، در  
فضیلت و اعمال ماه مبارک رمضان )

— اما شب بیست و پنجم ذی القعدة شب دحوالارض  
است ، و آن شبی است که تمامی زمین از زیر خانه کعبه  
بر روی آب پهن شد . و روز بیست و پنجم ذی القعدة روز  
دحوالارض است .

و از حسن بن علی و شا روایت است که گفت من  
کودک بودم که با پدرم در خدمت امام رضا علیه السلام  
شام خوردیم در شب بیست و پنجم ماه ذی القعدة . پس  
فرمود که امشب حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت عیسی  
علیه السلام متولد شده اند و زمین از زیر خانه کعبه

پهن شده است ، و در این روز حضرت قائم علیه السلام قیام خواهد نمود . پس هر که روزش روزه بدارد چنان است که شصت ماه را روزه بدارد . و در روایتی روزه اش مثل روزه هفتاد سال است . و هر که این روز را روزه بدارد و این شب را سه عبادت بسراورد از برای او عبادت صد سال نوشته شود و از برای روزه دار این روز هر چه در میان آسمان و زمین است طلب مغفرت کند .

( همان کتاب ، باب دوم ، فصل

چهارم ، فضیلت شنب و روز

دحو الارض و اعمال آن )

## منتخباتی از " کیمیای سعادت "

چنانکه قبلاً گفته شد، ( صفحات ۸۴ و ۸۵ ) یکی از کرامات مکتب آخوند اینست که حتی کسانی را در حدنوابع علم و اندیشه، وقتی که به قالب آخوند میروند مسخ میکند و به حد یک طلبه بی‌شعور فیضیه پائین می‌آورد .

نمونه بارزی ازین امر، مورد امام محمد غزالی است . این شخصیت برجسته معارف اسلامی در قرن پنجم هجری که مقام علمی وی قرون بعد از او را عمیقاً تحت تاثیر قرارداد و به همراه این سنا و رازی و فارابی، یکی از چهار دانشمند ایرانی بود که آثارشان در همان قرون وسطی به زبان لاتینی ترجمه شد و دیرزمانی در دانشگاههای جهان غرب تدریس گردید ، مولف قریب هفتاد اثر معروف در علوم دینی و اصول و کلام و حدیث و اخلاق و منطق و تصوف است و مقام علمی وی چنان بود که در ۳۴ سالگی به استادی مدرسه معروف نظامیه بغداد خوانده شد، و اتفاقاً صابون اتهام زندقه و الحاد به جامه او هم خورد .

برچنین مبنائی ، شاید به اشکال ، باور کنید که اراجیفی که در صفحات بعد خواهید خواند، منتخباتی از مطالبی است که همین حجة الاسلام ( عنوانی که برای اولین بار بطور مطلق با و داده شد ) وقتی که از قالسب شخصیت علمی خود بیرون آمده و بقالب آخوند درفته است ، در کتاب معروف " کیمیای سعادت " که از آثار فارسی او است بعنوان " احکام و مقررات ابدی الهی " نقل کرده، منتها چون شیعه نبوده آنها را میان امامان تقسیم نکرده و همه را تنها از رسول اکرم دانسته است .

x x x

— باید که اگر در صحرا بود از حنم خلق دور شود ،  
و اگر تواند در پی دیواری شود ، و عورت پیش از نشستن  
برهنه نکند ، و روی سوی آفتاب و ماه نکند ، و قبله را  
باز پس پشت نگذارد ، و روی فرا قبله نکند ، مگر  
دیواری باشد ، لیکن اولیتر آن بود که قبله برجها  
راست او بود ، در آب ایستاده بول نکند ، در زیر  
درخت میوه دار غایط نکند ، در هیچ سوراخ غایط و بول  
نکند ، در برابر باد و بر زمین سخت بول نکند ، و بر سر  
پای ایستاده بول نکند ، الا به عذری ، و در نشستن برای  
بول و غایط میل بر پای چپ کند ، و چون بیرون آید پای  
راست فرا پیش دارد ، و سر برهنه به قضای حاجت نرود ، و  
چون درون دار الخلاء شود بگوید : اعوذ بالله من  
الرجس النجس الخبیث المخبیث الشیطان الرحیم ( پناه  
به خدا از پلیدی شیطان رحیم ) ، و چون بیرون آید ،  
بگوید : الحمد لله الذی اذهب غنی ما یوذینی و ابقی  
علی ما ینفعنی ( خدا را شکر که آنچه مرا آزار میکرد  
از من دور کرد و آنچه سودمند است بر ایم بجزای  
گذاشت ) .

x x x

— و باید که سه سنگ کلوخ راست کرده دارد پیش  
از قضای حاجت ، و چون فارغ شود به دست چپ فرا گیرد ،  
و برجائی نهد که پلید نباشد ، آنگاه بر آید تا به  
موضع نجاست ، و آنجا بگرداند و نجاست بر باد چنانکه  
فرا تر نبرد نجاست را ، این چنین سه سنگ به کار دارد .

اگر پاک نشود دو دیگر به کار دارد که بهر صورت عدد طاق بود ؛ . آنگاه سنگی بزرگتر به دست راست بگیرد ، و قزیب بدست چپ فراگیرد ، و بر آن سنگ فراز آورد سه بار ، یا به دیواری فراز آورد به جای ، و دست چپ چنانند نه دست راست .

و چون بول کرده باشد سه بار دست به زیر قزیب فرود آورد ، و سه بار آنرا بفشارد و سه گام فرارود ، و سه بار تنحنح<sup>(۱)</sup> کند ، و پیش از این خویشی را رنحه ندارد که وسواس به وی راه یابد ، و اگر این بکرده باشد آب بر زیر جامه خود زند تا با خویشی گوید که تری از آب است ؛ که رسول صلی الله علیه وآله بدین فرموده است از برای وسواس را .

و اگر کسی را در میان قضای حاجت عطسه آید ، به دل الحمد لله رب العالمین بیاید گفت . و ابراهیم نخعی گفته است : اگر به زبان گوید نیز پاکی نباشد .

x x x

— بدان که هر جانور که خدای تعالی آفریده است همه پاک است مگر سگ و خوک . و هر جانور که بمیرد پلید است مگر آدمی و ماهی و ملخ ... و نیز هر چه وی را در تن خون روان نیست ، چون مگس و زنبور و کژدم ، و کرم که در طعام افتد . و هر چه در باطن جانوران مستحیل و گردیده شود پلید است مگر منی و خایه مرغ و کرم ابریشم .

x x x

— پس هر که در گرما به شود چهار چیز بروی واجب

---

۱- صدائی شسبه به سرفه ، که مؤمنین در مستراح میکنند .

آید و ده حیز است :

دو واحد در عورت خود ؛ که از بافنازاسو از  
جسمها پوشیده دارد ، و از دست قائم (۱) نیز نگاه  
دارد که بیودن از دیدن نکوتر است . و دو واحد در عورت  
دیگران ، که چشم خویش نگاه دارد ، و اگر کسی عورت  
برهنه کند بروی حسبت کند ، که هر که اس نکند از  
گرما به عاصی بیرون آید .

و نهی آمده است ناز را به گرما به خوردن .

و چون در گرما به شود سلام نکند . و اگر کسی سلام  
کند جواب دهد : " عافاک الله " و سخن بسیار نگویید .  
و اگر قرآن خواند آهسته خواند . و اگر از شیطان  
استعاذت کند به آواز روا باشد . و وقت نماز شام و  
فروشدن آفتاب و میان نماز شام و خفتن به گرما به نشود  
که این وقت انتشار شیطان بود . و چون در خزانه گرم  
شود از آتش دوزخ باد کند ، و یکساعت با زیادت بنشیند  
تا بداند که زندان دوزخ چون خواهد بود . . . و اگر  
ماری بیند از مارهای دوزخ یاد کند ؛ و اگر صورتی  
سهمناک بیند از منکر و نکیر و از زبانه دوزخ یاد  
کند ، و اگر آوازه های صعب شنود از نفحه صور یاد آرد ،  
و سنتهای شرعی است .

و هر ماه یک بار است (۲) به کار داشتن سودمند  
بود ، و چون بیرون خواهد آمد اگر آب سرد برپای ریزد  
از نقرس ایمن بود ، و در دست نخیزد ، و آب سرد بر سر  
نریزد .

و از منکرات گرما به آن بود که ران در پیوستش  
قایم نهد برهنه تا یمنالد . و صورت حیوان بر دیوار  
گرما به منکراست . و واجب است تباہ کردن آن یا بیرون  
آمدن .

۱ - کار گر حمام ۲ - واجبی .



اما جنس دیگر ، پاکی است از فصلاتش و آن هفت است :

اول - موی سراسن ، و ستردن آن اولیتر و به پاکی نزدیک تر ، مگر اهل شرف را (۱) ، و اما بعضی ستردن و هر جای موئی پراکنده بگذاشتن ، گراهت و نهی آمده است از آن .

دوم - موی سلت یا اسراست داشتن سنت است ، و فرو گذاشتن آن نهی است .

سوم - موی زیر بغل ، به هرچهل روز برکنسیدن آن سنت است .

چهارم - موی عورت است ، و زالت آن به آهک یا به ستردن سنت است ، و باید که از چهل روز تا خیر نکند . پنجم - ناخن باز کردن است . اندر خراست که ناخن چون دراز شود ، نشستگاه شیطان بود . و باید که در باز کردن ، ابتدا بدان انگشت کند که فاضلتر است - و دست از پای فاضلتر ، و راست از چپ فاضلتر ، و آن انگشت که اشارت شهادت به وی بود فاضلتر - پس ابتدا بدان کند ، آنگاه از جابجاست وی شود تا دوباره به وی رسد . و هر دو دست روی در روی چون حلقه ای تقدیر ششم - ناف باز بریدن است ، و آن به وقت ولادت باشد .

هفتم - خننه کردن است ، مرد وزن را .

x x x

اما آداب آنچه پیش از طعام است : آنکه طعام بر سفره نهد نه برخوان (۲) - که رسول صلی الله علیه

---

۱ - اشاره به شریفان و علویان که خود را از فرزندان پیامبر میدانستند و شعارشان گیسوی بلند بود

حنین کرده است - ، و آنکه نیکو بنشینند ، یعنی زانوی راست برآرد و بر ساق چپ بنشینند و تکیه زده نخورد که رسول صلی الله علیه گفت " من تکیه زده طعام نخورم " . و آنکه دست به طعام نبرد تا کسی حاضر نیابد که با وی طعام خورد - که تنها خوردن روانی باشد - و انس رضی الله عنه گوید که پیغامبر صلی الله علیه و آله هرگز طعام تنها نخوردی .

— و اما آداب وقت خوردن آن است که : بسم اول بسم الله بگوید و به آخر الحمد لله . و نیکوتر آن است که به اول لقمه بسم الله بگوید ، و به دوم لقمه بسم الله الرحمن ، و به سیم لقمه بسم الله الرحمن الرحیم . و این به آواز بلند گوید ... و باید که به دست راست خورد ، و ابتدا به نمک کند ، و ختم نیز به نمک کند - که این در خیر آمده است - و از میان کاسه ترید<sup>(۱)</sup> نخورد ، و از جوانب خورد ، و از میان نان نخورد ، بلکه از کناره درگیرد ، و نان به کارد پاره نکند و گوشه است همچنین ... و چون لقمه‌ای یا طعامی دیگر از دست برفت برگیرد و پاک کند و بخورد ، که در خیر است که اگر بگذارد شیطان را گذاشته باشد ... و نخست انگشت بلبید به دهان ، آنگاه در آزاری مالد ، و در طعام گرم نفخ نکند ، بلکه صبر کند تا خود سرد شود .

— و چون خرما خورد یا زردالو یا چیزی که شمردنی باشد ، طاق خورد - یعنی هفت یا یازده یا بیست و یک - تا همه کارهای وی با حق تعالی مناسبت گیرد ، که وی طاق است و او را جفت نیست ! پس طاق از جفت اولیتر بدین سبب که با وی مناسبت دارد .

اما پس از طعام ، باید که انگشت به دهان پاک کند ، آنگاه به دستار خوان ، و نان ریزه ها برچینند

که آن در جنت کابین حورالعین گردد ... وکاسه بساک  
کند به دو انگشت، و در خراست که هرکه کاسه بساک  
بلیسد کاسه گوید: " یارب، تو اورا از آتش آزاد کن  
چنانکه او مرا از دست دیوان آزاد کرد ". و اگر بشوید  
و آب آن بخورد، همچنان باشد که بنده‌ای آزاد کرده بود.

x x x

— اما ادب آب خوردن آن است که کوزه به دست  
راست گیرد و بسم الله گوید و پیوسته و باریک درکشد،  
و برپای نخورد و خفته نخورد، و اگر یک راه بیش خواهد  
خورد به سه بار خورد و هر باری بسم الله بگوید و به آخر  
الحمد لله.

و چون بعد از طعام دست در طشت بشوید آب دهان  
در پیش مردمان در طشت نیفکند، و باید که جمله اهل  
طعام دست در یک طشت بشویند و برای هر کس آبی جدا  
نریزند، که این عادت عجم است، و اگر به جمع دست  
بیکار شوبند اولیتر است.  
و جمله این آداب در اخبار و آثار آمده است. و  
فرق میان آدمی و بهایم بدین آداب پیدا آید!

x x x

— محاسن (۱) که دراز شود، روا باشد که مقدار  
یک قبضه بگذارد و دیگر فرابرد (۲) و ابن عمر رضی الله  
عنه و جماعتی از تابعیان چنین کرده‌اند.  
و بدان که در محاسن ده چیز کراهیت است:  
اول — خضاب سیاه کردن، که در خیر آمده است

---

۱ — ریش ۲ — قیچی کند.

که این خضاب مال اهل دوزخ است ، و خضاب کافران است .  
و اول کسی که این خضاب کرده است فرعون بوده است .  
و ابن عباس رضی الله عنه روایت میکند که رسول صلی  
الله علیه وآله گفت : در آخر الزمان قومی باشند که  
به سیاهی خضاب کنند ، و ایشان موی بیست نشوند .

دوم - خضاب به سرخی و زردی است ، و این اگر  
غازبان (۱) کنند تا کافران بیم آرند و برایشان دلسر  
نشوند ، این سنت بود ، و بدین غرض بعضی از علمای سیر  
به سیاهی خضاب کرده اند ، اما اگر این غرض نباشد ،  
تلیس بود و روا نباشد .

سوم - سپید کردن محاسن به گوگرد ، تا پندارند  
که پیر شده است و حرمت وی بیش دارند ، و این حماقت  
بود ، که انس مالک رضی الله عنه میگوید که رسول خدا  
صلی الله علیه فرمان یافت (۲) و برفت ، و درهمه موی  
وی بیست موی سپید نبود .

چهارم - آنکه موی سپید از محاسن بیسرد ، و از  
پیری ننگ دارد ، و این از جهل بود .

پنجم - کندن موی به حکم هوس و سودا در ابتدای  
جوانی ، تا بصورت بی ریشان نماید ، و این از جهل  
باشد ، که خدایتعالی را فریشتگانند که گویند : پاک  
است آن خدای که مردان را به محاسن و زنان را به گسو  
بیاراست !

ششم - محاسن را به ناخن پیراه (۳) گیرد بکردن -  
چون دم کیوتر - تا در چشم زنان نیکوتر نماید ، و به وی  
رغبت بیش کنند .

هفتم - آنکه موی سردر محاسن افزاید ، و زلف از  
بنا گوش فروگذارد ، زیادت از آنکه عادت اهل اصلاح  
است .

---

۱ - سربازان . ۲ - وفات یافت . ۳ - ناخن گیر .

هشتم - آنکه به چشم اعجاب درسیاهی یا درسپیدی محاسن نگرد ، که حق تعالی این دوست ندارد .

نهم - آنکه به شانه کند برای چشم مردمان ، نه برای بحای آوردن سنت .

دهم - آنکه بشولیده (۱) بگذارد برای اظهارزهد ، تا مردمان پندارند که وی خود بدان نمیردازد که موی شانه کند .

و این مقدار کفایت باشد در احکام طهارت سی .

x x x

— علی - کرم الله وجهه - گوید : " هرکس را درد شکم گیرد ، از زن خویش چیزی بخواهد از کابین وی ، و بدان انگبین بخرد و با آب باران بیامیزد و بخورد ، شفا یابد ، که خدای تعالی باران را مبارک خوانده است و انگبین را شفا ، و کابین که زنان بیخشنند هنی و مری ، یعنی نوش و گوارنده . و چون این هر سه بهم آید ، ناچار شفا یابد " .

و در جمله ادب بیمار آن است که گله نکند و جزع نکند ، و ادب عیادت کننده آن است که چشم از درها که در سرای باشد نگاه دارد ، و چون به در سرای رسد در به رفق بزند و چون گویند " کبست ؟ " نگوید " منم " ، ولیکن بگوید : " سبحان الله والحمد لله ! "

x x x

— اما شرایط نکاح پنج است :  
اول - ولی است ، که بی ولی نکاح درست نبود ، و

۱ - زولیده .

هر که ولی ندارد ولی وی سلطان بود .

دوم - رضای زن ، مگر آنکه دوشیزه نبود ؛ و اگر  
حنسی بود خون بدروی را بدهد یا بدریدر ، نه رضای  
خود وی حاجت نماند .

سوم - دوگواه عدل باید که حاضر شود . . . پس اگر  
دو مرد باشد مسور ، که فسق ایشان مردورن را معلوم  
نماند ، نکاح درست نبود .

چهارم - آنکه لفظ ایجاب و قبول بگویند . . . و سنت  
آن است که ولی بگوید فلان را به نکاح تو دادم به چندین  
کاسبین . و شوی وی گوید این نکاح را بدین کاسبین  
پذیرفتم . و اولیتر آن بود که زن را یکبار ببیند پیش  
از عقد نکاح .

پنجم - آنکه زن به صفتی باشد که نکاح وی حلال  
نُود . و قریب بیست صفت است که نکاح بدان حرام شود .  
و بهتر آنکه زن دوشیزه نبود که به الفت نزدیکتر  
نُود . و آنکه شوهری دیده باشد بیشتر آن بود که دل وی  
با وی نگران بود . جابر رضی الله عنه زنی خواسته  
بود شبیه <sup>(۱)</sup> رسول صلی الله علیه وآله گفت : چرا  
بگر خواستی تا وی با تو بازی کردی و تو با وی بازی  
کردی ؟ و باید که شوهر مزاح و بازی با زن خود بدان  
حد نرساند که هیبتش به خطر افتد ! و با او در هوای  
باطل مساعدت نکند ، که خداوند فرمود " الرجال قوامون  
على النساء " . پس همیشه باید که مرد بر زن مستولی  
باشد . و رسول صلی الله علیه وآله گفت " تعس عبس  
الزوجه " ، نگونسار کسی است که بنده زن باشد ، چه زن  
باید که بنده مرد باشد . و گفته اند که " بازنمان  
مشاورت باید کرد ، و خلاف باید کرد به آنچه گویند " .  
و شوی را باید که زن را از هر چه ممکن نبود که از آن

آفت خرد ، باز دارد . و با تواند او را بیرون بگذارد و  
فرا بام و در بگذارد ، و نگذارد که هیچ نامحرمی را  
بیند . و نگذارد که وی نیز هیچ نامحرمی را بیند . و  
نگذارد که به روزن و دریچه به نظاره مردان شود ، که  
همه آفتها از جسم خیزد و از درون خانه نبرد ، بلکه  
از روزن و بالکانه و درو بام خیزد .

و رسول صلی الله علیه وآله فاطمه رضی الله عنه  
را گفت " زنان را چه بهتر؟ " گفت : " آنکه هیچ مرد  
ایشان را نبیند و ایشان هیچ مرد را نبینند " . رسول  
صلی الله علیه را خوش آمد .

... و معاذ زن خویش را بزد ، که به روزن نگرسته  
بود ، و زن را دید که پاره‌ای از سیبی را بخورد و باقی  
را فرا غلام داد . پس باز وی را بزد ... و عمر رضی الله  
عنه گفت " زنان را جامه نیکو مکنید تا در خانه  
بنشینند ، که چون جامه نیکو کنند آرزوی بیرون شدن  
پدید آید " .

— ادب دیگر آنکه هر چه زنان را از علم دین ، در  
کار نماز و طهارت و حیض و غیر آن به کار آید باید که در  
ایشان آموزد ... و این مقدار باید بیاموزد که چون  
پیش از آفتاب فرو شدن حیض منقطع شد نماز پیشین و  
نماز دیگر قضا باید کرد . و چون پیش از آفتاب بر  
آمدن منقطع شد نماز شام و خفتن قضا باید کردن . و  
بیشتر زنان این ندانند .

— ادب دیگر آنکه چون زن نافرمانی کند و اطاعت  
شوهر ندارد ، وی را به تلافی و رفق به طاعت خواند .  
اگر طاعت ندارد شب بستر جدا کند و پشت با وی نکند .  
اگر باز طاعت ندارد سه شب بستر جدا کند . پس اگر  
سود ندارد ، وی را بزند ، اما نه چنان که جائسی  
بشکند . و اگر در کار دین تقصیر کند روا بود که بر وی

حنم گردد ماهی ، که رسول صلی الله علیه و آله ماهی با  
جمله زنان خود ختم گرفت .

— ادب دیگر در صحبت کردن (۱) است . باید که چون  
چسبن خواهد ، روی از قبله بگردانند ، و در ابتدا سه  
حدیث و بازی و قنبله و معانفه دل وی خوش کند ، که رسول  
صلی الله علیه و آله گفته است که " مرد نباید که بر  
زن افتد چون ستور ، و باید که این کار را رسولی  
باشد " . گفتند " آن رسول چیست ؟ " گفت : " بوسه " .

— پس چون بر فرج زن دخول کند ، بگوید : " بسم  
الله العلیّ العظیم ! الله اکبر ! الله اکبر ! الله  
اکبر " ! و اگر قل هو الله أحد بخواند پیشین ،  
نکوتر باشد . . . و در وقت انزال بگوید که " الحمد لله  
الذی خلق من الماء بشراً وجعله نساءً و صهراً " ! و آنگاه  
چون انزال کرد ، صبر کند تا زن را نیز انزال افتد ، که  
این را رسول صلی الله علیه و آله گفته است .

و از علی کرم الله وجهه و ابوهریره روایت  
کرده اند که محاممت در شب پیشین ماه و در شب باز پسین  
و در شب نسیعه ماه کراهیت است ، که شیاطین اندرین شبها  
حاضر آیند به وقت جماع .

و رسول صلی الله علیه و آله گفت : " هر که یک  
دختر دارد ، وی رنجور است . و هر که دو دختر دارد  
گرانبار است . و هر که سه دختر دارد ، ای مسلمانان وی  
رایاری دهید که وی با من در بهشت همچون دو انگشت  
خواهد بود " ، یعنی نزدیک .

— و اما حق مرد بر زن بس عظیم است ، که زن به  
حقیقت بنده مرد است ، و در خبر است که اگر سجود کردن جز  
خدای را روا بودی ، زنان را امر به سجود کردند در پیش  
مردان .

۱ - محاممت .



و حق مرد بر زن آن است که زن در خانه بنشیند، و بی دستور وی بیرون نشود، و فرادر و بام نشود، و با همسایگان مخالفت و حدیث نکند، و بی ضرورتی به نزدیک ایشان نشود، و در همه کارها مراد شوهر طلبد، و از جمله آشنایان شوهر خویش را پوشیده دارد تا وی را باز ندانند، و بر شوهر بدانچه بود قناعت کند و زیادتى طلب نکند... که رسول صلی الله علیه و آله میگوید " در دوزخ نگرستم. بیشتر زنان را یافتم. گفتم چرا چنین است؟ گفتند از آن سبب که بر شوهران و با شوهر ناسپاسی کنند."

x x x

— انس رضی الله عنه میگوید که رسول صلی الله علیه گفت: " پسرى را که هفت روزه شد عقیقه کنید و نام نیکو بنهید و پاکیزه کنید، و چون شش ساله شد ادب کنید، و چون هفت ساله شد به نماز فرمائید، و چون نه ساله شد بسترش را جدا کنید، و چون ده ساله شد بسبب نماز بزنید، و چون شانزده ساله شد پدر وی را زن دهد و دست وی بگیرد و گوید: " ادبت کردم، و قرآن بیا موختم، و زن دادم، و به خدای تعالی پناه میبرم از فتنه تو در دنیا و از عذاب تو در آخرت!"

x x x

— رسول، صلی الله علیه و آله، گفت: " خدا پیتعالی وحی فرستاد به فرشتهای که: فلان شهر را زیر و زبر کن. گفت: " بار خدایا! با فلان کس که یک طرفه العین معصیت نکرده است و در آنجا است چه کنم؟" گفت: « او را بکش، که هرگز روی ترش نکرد بامر معصیت دیگران!»